



یادداشت‌های شهر شلوغ

ایران به کدام سمت می‌رود؟

[شهروند] موضوع مذاکرات هسته ای و نوع مقابله با تهدیدات و تحریم های آمریکا همچنان در صدر توجه کارشناسان و گروههای سیاسی قرار دارد و سناریوهای محتمل در این خصوص مورد بررسی و ارائه قرار دارد. این روزها اکثر رسانه ها فارغ از گرایش های سیاسی خود به عرصه ای برای صحت سنجی ابراز نظرات مختلف تبدیل شده اند، اما آنچه که مورد تایید و تاکید همگانی است ، تجربه قلدری ها و خلف وعده های آمریکایی است که می بایستی بعنوان یک زنگ خطر مورد توجه قرار گیرد.

استراتژی و برنامه مدون برای رفع تحریم ها

محسن هاشمی رفسنجانی با توجه به مسائل و تجربیات گذشته خواهان ارائه راهبرد و برنامه دقیقی برای مدیریت تنش در سیاست خارجی شده است . او طی یادداشتی در روزنامه شرق نوشت: باآغاز دوران دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بار دیگر اظهارات ضد و نقیض مذاکره با آمریکا، در فضای رسانه ای و سیاسی کشور مطرح شده است.

یکی از شعارهای مهم دکتر پیشکیان در انتخابات، رفع تحریم ها بود؛ اما پرسش اینجاست که آیا فراتر از شعار و وعده، دولت استراتژی و برنامه مدونی برای رفع تحریم ها دارد یا خیر؟

البته در دولت و شورای امنیت، چهره هایی نظیر دکتر ظریف و دکتر عراقچی و تیم مذاکرات هسته‌ای، از نیروهای باتجربه و توانمند در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی هستند، اما حل مسئله ای به این پیچیدگی و گستردگی فراتر از دیپلماسی به راهبرد ملی نیاز دارد؛ موضوعی که در ۳۰ سال گذشته آیت الله هاشمی رفسنجانی در مقاطع مختلف سعی می کرد این حلقه مفقوده را جبران کند.

تجربه نخست در سال ۱۳۶۴ آغاز شد. تحریم های تسلیحاتی کشور، شرایط دشواری را برای زمیندگان به خصوص در حوزه پدافند و نیروی هوایی ایجاد کرده بود. آیت الله هاشمی به عنوان فرمانده جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، با تأیید سران قوا و امام خمینی، مسئله تأمین نیازهای تسلیحاتی جبهه ها را در برابر آزادی گروگان های آمریکایی در لیمنان هدایت کرد که در ابتدا با موفقیت همراه بود، ولی افشای این مسئله، موجب بروز یک رسوایی برای دولت وقت آمریکا و توقف موضوع شد.

تجربه دوم در دولت سازندگی و حمله عراق به کویت به وقوع پیوست. دولت آمریکا که به صلح طلبی و رفتارهای قانونمند جمهوری اسلامی در برابر جنگ طلبی صدام اذعان داشت، در پی رفع تخاصم با ایران بود و بوش پدر، رئیس جمهور وقت آمریکا، با ارسال پیام ها و حتی تماس تلفنی شخصی با دفتر رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله هاشمی رفسنجانی، حل این مسئله را دنبال می کرد و آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز در شورای عالی امنیت ملی مسئله را طرح و برای رفع تخاصم با آمریکا، جمع بندی کرد، ولی مورد موافقت قرار نگرفت که شرح تفصیلی آن در خاطرات ایشان تحریر شده است. تجربه سوم، در دوران ریاست جمهوری او یا ماشکل گرفت که بلافاصله پس از آغاز به کار، اقدام به ارسال نامه به رهبر انقلاب کرد و سپس مذاکرات دو جانبه میان معاون وزیر خارجه آمریکا و دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۸ انجام شد و پس از آن در مذاکرات عمان میان وزیر خارجه وقت و نمایندگان دولت آمریکا دنبال شد. با آغاز دولت دکتر روحانی، دولت برای رفع تحریم ها اقدام به مذاکره با ۵+۱ کرد که در نهایت به برجام و رفع تحریم ها منجر شد که البته سه سال بعد در دوران ترامپ، آمریکا از برجام خارج شد.

تجربه چهارم نیز در سال ۱۴۰۰ و هم زمان با پیروزی بایدن و آغاز جنگ اوکراین رخ داد و پیشنه‌ها د احیای برجام در تابستان ۱۴۰۱ به ایران ارائه شد؛ اما شعار زمستان سخت اروپا، مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات دولت مرحوم رئیسی شد.

اکنون ایران در شرایط حساسی قرار دارد و در چشم انداز آینده، اگر راهبرد و برنامه دقیقی برای مدیریت تنش در سیاست خارجی وجود نداشته باشد، امکان انتقال از وضعیت تحریم حد اکثری به تهدید به حد اکثری وجود دارد. بنابراین ما نیازمند برنامه ای فراتر از رویکردهای افراطی و تفریطی، ماجراجویانه و ساده انگارانه هستیم.

خطر معمولی نشان دادن حرف های ترامپ

روزنامه فرهیختگان با نقد مواضع برخی طرفداران مذاکره با غرب نوشت: ترامپ دومین یادداشتش در حمایت از فشار حداکثری علیه ایران را هم امضا کرد اما به نظر می رسد برخی از اصلاح طلبیان هنوز باور نکرده اند که رئیس جمهور آمریکا شمشیر را برای ایران از رو بسته و صحبت از مذاکره که آن را صرفاً در رسانه مطرح می کند، خروجی جز تسلیم ندارد.

با این حال، برخی از این چهره ها به بندی از «فکت شیت» ترامپ که به لزوم مهار شدن قابلیت های تسلیحاتی اشاره داشته، استناد می کنند که در صحبت های رئیس مجلس نیز به آن اشاره شد.

آن ها معتقدند هدف ترامپ خلع سلاح ایران نیست، بلکه او به دنبال کنترل تسلیحات ایران است. نکته عجیب تر ماجرا این است که رسانه دولت نیز در پرداختی

به این ماجرا این گزاره را تکرار کرده است، فارغ از آنکه ابهام وارد شده درست است یا خیر.

اما پذیرش صحت این ادعا، تفاوتی در اصل ماجرا ایجاد می کند؟ و اینکه ترامپ به دنبال مهار ایران است و عملاً موجودیتش را هدف قرار داده، نقض می شود؟ آنطور که

شاهد نشان می دهد، ایدئالیست های اصلاح طلب هنوز رویای مذاکره را در سر دارند و به همین خاطر نیز تلاش دارند تا یادداشت ضد ایرانی ترامپ را عادی جلوه دهند.

اما به نظر می رسد آنقدر در این رویا غرق شده اند که عملاً واقعیت موجود را نادیده می گیرند.

بعضی تهدیدات ترامپ، بلوف است

اماد در مقابل روزنامه اطلاعات در مطلبی از تهدیدات ترامپ به عنوان بلوف یاد کرد. این روزنامه نوشت: با روی کار آمدن ترامپ در ۴۰٪ ژانویه ۲۰۲۵، بار دیگر گفتمان زورگویی، خود خواهی و خودشیفتگی آمریکایی به عرصه بین الملل بازگشت و همه کشورهای

جهان از غربی و شرقی به این جمع بندی رسیدند که باید تحولاتی را در عرصه سیاست خارجی خویش ایجاد کنند.

همچون دوره اول، سیاست های قلدرمآبانه و زیاده خواهی ترامپ، فقط دامن کشورهای ناهمسوس با آمریکا را نگرفت؛ بلکه گریبانگیر کشورهای اروپایی به ویژه دانمارک و همچنین کانادا، چین، مکزیک، پاناما و بسیاری از دیگر کشورها نیز شده است.

تحلیل جامعه شناسانه این مسأله که چرا مردم آمریکا مجدداً به چنین فرد خودشیفته و بی اعتنا به قوانین بین المللی رأی دادند، بسیار جالب است و انتظار می رود از سوی متخصصان این حوزه انجام شود؛ اما از منظر سیاسی و بین المللی آنچه در مورد اقدامات ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری مهم است، رویکرد وی به عنوان رئیس جمهور آمریکا به چالش های مهم بین المللی است.

ویژگی خاص دیگر ترامپ، شیوه پیشبرد اهدافش است؛ بر این اساس او در قبال هر کشور و منطقه ای که با آن مشکلی دارد، ابتدایک ادعا یا بلوف بزرگ مطرح می کند تا افکار عمومی دچار شوک شود و در ضمن اقتدار و جسارت خود را نشان دهد. بعد به تدریج در جریان مذاکره، هدف و پیشنه‌ها د اصلی خود که به نسبت زیادی کوچک تر از ادعای

اولیه است را روی می گذارد.

شرایط بسیار مناسبی فراهم شده است تا ایران بتواند از طریق چانه زنی و مذاکره با این کشورها، موقعیت خود را بهبود ببخشد و در مواجهه با آمریکا از موضعی قدرتمندتر برخوردار شود. به ویژه با توجه به اختلافی که نظریه «کوچاندن مردم غزه» بین آمریکا

و اسرائیل با عربستان ایجاد کرده، شرایط بسیار مهیاست تا ایران با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس گفتگوها و رایزنی های متعدد ی انجام دهد و «طرح مودت» با این کشورها را با جدیت دنبال کند. موفقیت در این مسأله قطعاً بر موضع ایران در مذاکرات

آتی با غرب تأثیر خواهد داشت و این تصور که ایران در موضع ضعف قرار دارد و بنابراین می توان مسائل بسیاری را به آن تحمیل کرد، از بین می رود.

هر چند موارد فوق می تواند برای اتخاذ یک سیاست هوشمندانه به تصمیم سازان و دیپلمات های کشور کمک کند، اما در نهایت واقع نگری، درک دقیق شرایط و مقدرات و محدودرات داخلی و بین المللی و در نظر گرفتن مصلحت کشور در کنار عزت و اقتدار

ایران، اصل اساسی در مواجهه با دولت ترامپ و شرایط پر بمخاطره کنونی است.

با منتفی شدن موضوع مذاکره با آمریکا، ایران به کدام سمت می رود؟

اماد در این میان راهکار ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا، چیز دیگری است. او در پاسخ به این سوال سایت رویداد ۲۴ که در شرایطی که مذاکره با غرب دور از دسترس قرار

گرفته و چندان امیدی به آن نیست، دولت چه راهکاری برای عبور از بحران های فعلی دارد گفت: معادلات جهانی به شدت بهم ریخته است. صحبت های ترامپ را ناشی از این بدانید که آمریکایی ها متوجه تغییر سریع جهان شده اند. به نظر من اگر مسئولان

ما، اعم از دولت و مجلس، این موضوع را عمیقاً درک کنند که دنیا مسیری نیست که به غرب ختم شود، نتیجه ی بهتری خواهیم گرفت.

این فعال سیاسی اصولگرا با بیان اینکه ما راه های بسیاری داریم که به جز غرب پیگیری کنیم گفت: ایران عضو پیمان های چند جانبه ی مختلف شده که ظرفیت های خوبی دارند. کشور چین ظرفیت بالایی دارد و باید بتوانیم با آن کشور هم

مسیر سرمایه گذاری جدی رایگیری کنیم

ایمانی در ادامه گفت: افکار عمومی بر این باور است که نشانه ای از ظرفیت های شرق

و سرمایه گذاری هایشان ندیده، اما در گفت وگو با غرب حتی در حد چند ماهه برجام، گشایش های اقتصادی ملموسی دیده شد. با این وجود چرا چینی ها در ایران دیده نشدند که جامعه تا این حد نسبت به آنها نا امید نباشد؟

وی افزود: اینکه مردم نشانه ای ندیدند، به مسئولان ما برمی گردد. بارها و بارها طی سال های گذشته، مسئولان آن کشورها در مذاکرات از مسئولان ما گله کرده اند که ما آمادگی داریم، اما شما جلونمی آیدید، چون توجهمان به غرب است. به گفته این سیاستمدار اصولگرا، پیمان های چند جانبه، کشور های همسایه و قدرت های بسیار بزرگ اقتصادی مانند چین و هند و روسیه ظرفیت های بزرگی هستند که اگر مسئولان ما بخواهند خود را درگیر تجدید برجام و غرب فکر نکنند می توانیم به طور جدی به آن ها فکر کنیم.

با این وجود یعنی طالبان از مسئولین ایرانی قوی تر عمل کرده اند که چین در افغانستان و قطر و پاکستان و عربستان سرمایه گذاری کرد، اما در ایران فقط حرف آن شنیده شد؟

ایمانی شراکت عمیق اقتصادی چین با رژیم طالبان را یاد آور شد و گفت: کشور افغانستان، طی چند سال گذشته که گروه طالبان که همه با آن مخالف هستیم، سرکار آمده تورم شان کاهش پیدا کرده است. عربستان که کاملاً در مدار آمریکا حرکت می کند، سرمایه گذاری های بزرگی از چین جذب کرده است. ما چرا این کار را نمی کنیم؟ تا حالا در ده سال گذشته چند نفر از مسئولان ما را دیده اید که در رسانه های عمومی از قدرت اقتصادی و امکانات و تکنولوژی بالای چین صحبت کنند؟

ایمانی با بیان اینکه دولت رئیسی گام های بلندی در جهت اتحاد با چین برداشت گفت: ایشان علاقه مند بود، اما عمر شان کوتاه بود و قدم هایی نیز برداشت. پیمان شانگهای و بریکس را در زمان آقای رئیسی پیگیری کردیم. بحث من بر سر دولت ها نیست و کلی می گویم. ما الان یک قرارداد ۲۵ ساله با چین داریم، چند قرارداد در چارچوب آن با چین بسته ایم؟ تا وقتی ما تمایل نداشته باشیم، طبیعتاً چین هم با اصرار خودش سرمایه گذاری نمی کند. تکنولوژی های موجود در چین دست کمی از آمریکا ندارد. چین برابر با آمریکا در حوزه ی هوش مصنوعی فعالیت می کند.

این فعال سیاسی افزود: ما خیلی از این امکانات را پیش رو داریم، اما تمام توجه مسئولان ما صرفاً به غرب و آمریکا بوده است. اگر مقداری چرخش جدی به سمت چین و هند و روسیه داشته باشیم، اعلام خطری برای غرب تلقی می شود و بیشتر به مذاکره متمایل می شوند. نه مثل امروز ترامپ که می گوید تمام تسلیحات نظامی و هسته ای را نابود کنیم تا مذاکره کنیم. این یعنی تسلیم شوید تا مذاکره کنیم، تسلیم شدن هم که دیگر مذاکره ندارد. مثل ژاپن در جنگ جهانی دوم که دیگر مذاکره اش معنی نداشت. مسئولان ما به طور جدی باید مسأله ی پیمان های شرقی و کشورهای همسایه را جدی بگیرند. عربستان امکان سرمایه گذاری خوبی دارد، اما از این طرف شرایط را هموار نکردیم.

اگر آمریکا قصد مذاکره دارد اول برجام را احیا کنند

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: اگر آمریکا قصد مذاکره دارد اول برجام را احیا کنند.، آیت الله علی اکبر مسعودی خمینی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مذاکره با کشورهای خارجی را غیر قابل انکار خواند و گفت: مذاکره با کشورهای خارجی، از جمله با آمریکا، موضوعی غیر قابل انکار است. اما مذاکره نباید منفی باشد، بلکه باید مثبت و سازنده باشد.

او در بخشی از مصاحبه خود با جماران ادامه داد: ما باید به آمریکا بفهمانیم که اینجا یک کشور مستقل است. کشوری با تمدنی ۱۵۰۰ ساله، نه یک کشور تازه تأسیس. این کشور با برجاست و شما هر چه بخواهید آن را تحت فشار قرار دهید یا خرابکاری کنید، ایران همچنان استوار خواهد ماند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم همچنین با بیان این که ممکن است مردم در این راه سختی بکشند و دچار مشکلات اقتصادی شوند گفت: در نهایت، آمریکا مجبور است که با ایران و سایر کشورها رفتاری انسانی داشته باشد. آمریکا باید به جای زورگویی، رویکردی انسانی در پیش بگیرد.

مسعودی خمینی افزود: برجام نمونه ای از توافقی بود که از بین رفت. ایران این توافق را پذیرفت. آمریکا نیز آن را پذیرفت، اما در نهایت، چر برجام را از بین بردند؟ اگر این توافق را پذیرفته بودند، باید پایبندی می ماندند. اکنون نیز اگر قصد مذاکره دارند، باید به تعهدات خود با گردند و برجام را احیاء کنند.

این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بخش دیگری از این گفتگو محمد جواد ظریف را شخصی مثبت، آگاه و فهیم ارزیابی کرد که همین ویژگی ها باعث نارا ضایتی معترضان به حضور او در دولت است.

به گفته او، در دستگاه های مختلف کشور، افرادی حضور دارند که نمی توانند تحمل کنند یک فرد آگاه و کارآمد در رأس امور قرار گیرد.

او با متحجر خواندن مخالفان ظریف، گفت: کسی که علیه آقای ظریف سخن می گوید، خود به خوبی آگاه است که اگر ایشان مسئولیتی بر عهده بگیرد، تصمیمات آگاهانه خواهد گرفت و این مسئله، برای برخی افراد قابل قبول نیست.

مسعودی خمینی ادامه داد: این ها کسانی هستند که نه تنها از متحجرین بدترند، بلکه به واقع افرادی نادان و نا آگاه اند و در حال ضربه زدن به انقلاب هستند؛ هم در عرصه سیاست، هم در نیروهای نظامی، هم در مجلس و هم در سایر نهادها. در هر جا، گروهی از این افراد حضور دارند و مشغول تخریب و کارشکنی اند.

رو به میهن، پشت به دشمن

وطن امروز اما با اشاره ناترازی ها و راه حل های داخلی آن نوشت: در تحلیل چالش های ایران، مسعود نیلی، اقتصاددان و دستیار و مشاور رئیس جمهور روحانی، به ۳ ضلعی ناترازی های مالی و زیست محیطی، وضعیت خطیر روابط خارجی و شکاف های اجتماعی و فرهنگی اشاره می کند و معتقد است برای حل این ابرچالش ها، باید از ضلع اجتماعی آغاز کرد. به گفته نیلی، اگر بخواهیم با حفظ شرایط ناترازی ها و شکاف های اجتماعی، سراغ حل مساله تحریم برویم، طبیعتاً نظام حکمرانی ناچار به دادن امتیازات زیادی به طرف مقابل خواهد شد، چرا که در شرایط ضعف سراغ مذاکرات رفته ایم.

این تحلیل دقیق و کارشناسانه، نشان می دهد حل مشکلات داخلی و پرداختن به مسائل اجتماعی، از جمله شکاف های طبقاتی، بی اعتمادی عمومی و ناراضی های اجتماعی، نسبت به سایر امور اولویت و ضرورت بیشتری دارد. او تأکید می کند در شرایط فعلی، مذاکره مشکل کشور را حل نخواهد کرد. این نظر مهم ترین کارشناس اقتصادی نزدیک به دولت است. سوال این است که چرا نسبت به این نظرات کارشناسی بی توجهی می شود؟

با توجه به نکاتی که بیان شد مشخص می شود تجربه، عقلانیت، علم و کارشناسی، مذاکره در شرایط فعلی را نه تنها مفید نمی داند، بلکه آن را زمینه ساز برخی مشکلات جدید تلقی می کند. اما چرا برخی افراد این چنین تجربه و علم را نادیده می گیرند و بر سوق دادن دولت به مسیر بی حاصل مذاکره اصرار می ورزند؟ این میراثی است که از دولت یازدهم مانده است. دولت های مختلف جمهوری اسلامی، با تکیه بر توانمندی های داخلی و ایجاد توازن بین نگاه به بیرون و داخل، به موفقیت رسیده اند. تنها استثنا دولت یازدهم و دوازدهم بود و برای نخستین بار، شاهد رویکردی بودیم که تلاش شد تمام ابرچالش های کشور، از طریق مذاکره و سیاست خارجی حل شود. علت این بود که آن دولت برنامه دیگری نداشت و با دمیدن بر هیجان ناشی از این باور عوامانه که با مذاکره درهای بهشت بر روی ما باز می شود، توانسته بود رای بیاورد. این رویکرد انفعالی نتوانست مشکلات اساسی کشور را حل کند و حتی در برخی موارد، باعث تشدید آنها شد.